«فرهیختگان» از روند جشنواره‌های سینمایی ۶ ماهه دوم امسال و دلایل اصرار به برگزاری آنها گزارش می‌دهد

جشنواره‌های فرهنگی کرونا را شکست می‌دهند؟

مجتبی اردشیری
روزنامه‌نگار

پس از برگزاری جشنواره فیلم مقاومت، تا کمتر از یک هفته دیگر، سی‌وسومین دوره جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان، در تهران و نصف‌جهان به‌صورت همزمان در ۶ روز و به‌صورت فیزیکی و مجازی برگزار می‌شود. ۵ روز پس از اختتامیه جشنواره کودک اصفهان، جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران طی ۷ روز برگزار می‌شود. یک ماه بعد از اختتامیه جشنواره فیلم کوتاه تهران، جشنواره سینما حقیقت طی ۸ روز از ۱۸ تا ۲۵ آذر آغاز به‌کار خواهد کرد. پنجاهمین دوره جشنواره فیلم رشد که فراخوان آن چند روز پیش منتشر شد نیز احتمالا پس از سینما حقیقت برگزار خواهد شد. چون در متن فراخوان، هیچ اشاره‌ای به تاریخ دقیق برگزاری این رویداد نشده است؛ جشنواره‌ای که قرار است علاوه‌بر تهران، در مراکز تمامی استان‌ها و حتی خارج از کشور، نمایش فیلم داشته باشد! جشنواره فیلم فجر نیز چندی پیش با انتخاب دبیر جدید (محمدمهدی طباطبایی‌نژاد)، رسما برای سال جاری اعلام موجودیت کرد تا وزارت ارشاد در بهمن‌ماه امسال هم جشنواره سینمایی داشته باشد. حسن ختام جشنواره‌های سینمایی ارشاد در سال ۹۹، جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران است که قرار است طی ۵ روز، از ۱۰ تا ۱۴ آذر امسال برگزار شود. احتمالا طی روزهای آینده باید منتظر انتشار فراخوان جشنواره جهانی فجر نیز باشیم تا زنجیره برگزاری جشنواره‌های سینمایی کشور، در اینده‌ای سال آینده نیز ادامه پیدا کند. البته باید به این مهم نیز اشاره کرد که در این فهرست، تنها جشنواره‌های سینمایی که وزارت ارشاد متولی آنهاست قید شده وگرنه لیست جشنواره‌هایی که طی ۶ ماه دوم امسال برگزار می‌شوند و مدیریت دولتی ندارند، بسیار بیشتر از این تعداد است. از سوی دیگر، آمار و ارقام مبتلایان این روزهای کرونا، رو به فزونی است و در روندی عجیب، به مرز ۴۵۰۰ نفر در روز رسیده است. آماری که از روود کشور به پیک سوم این بیماری خبر می‌دهد؛ پیکی که قرار است با سرد شدن هوا طی هفته‌های آتی و فراریسدن میهمان‌های خانواده‌ای چون آنفلوآنزا، وضعیتی به‌مراتب بغرنج‌تر را برای مردم به‌وجود بیاورد. با این دورنما اما آنچه بسیار عجیب می‌نماید، اصرار وزارت ارشاد و مدیران دولتی در برگزاری تمامی جشنواره‌هایشان است. فارغ از آمارهای نگران کننده‌ای که احتمالا قرار است طی ماه‌های آتی از تعداد مبتلایان و قربانیان کرونا بشنویم، این سوال مطرح می‌شود که این جشنواره‌ها، با کدام پشتوانه مردمی قرار است برگزار شوند؟ وقتی آمار فروش روزانه کشور در شرایط کنونی، زیر ۱۰ میلیون تومان است، آیا برگزاری فیزیکی این همه جشنواره که از قضا تمامشان نمایش فیلم هم دارند، امر عجیب و متناقض با فضای این روزهای عرضه و تقاضای سینمای ما نیست؟

در این گزارش بر آن شدیم تا یک رمزگشایی و اکاوی میان خواست مدیران سینمایی کشور، آنچه آنها را به امر برگزاری جشنواره قانع می‌کند و حقایقی که گویا از سوی آنها دیده نمی‌شود، داشته باشیم.

این همه اصرار مدیران دولتی برای برگزاری جشنواره‌ها از کجا آب می‌خورد؟

علیرضا تابش چند روز پیش در گفت‌وگویی اعلام کرد که «در شرایطی که جشنواره‌های مختلفی در دنیا با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار شده‌اند، تعطیلی یک رویداد معتبر و قدیمی مثل جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، منطقی نیست، وی همچنین در ادامه این گفت‌وگو، برگزاری این دوره جشنواره کودک را تصمیمی توام با «ریسک» خواند نشده است؛ سری به سایت جشنواره کودک زدیم. نام‌نویسی‌ها پایان یافته و در مرحله بررسی و صدور کارت قرار دارد. قرار است خبرنگاران تهرانی در سینما فرهنگ و اصفهانی‌ها هم در سینی‌سنتر به تماشای فیلم بنشینند. ضمن اینکه برای بخش‌های دیگر این رویداد نظیر داوران کودک و نوجوانان با حضور در بخش کارگاه‌ها نیز همچنان ثبت‌نام می‌شود.

به صفحات وب‌سایت‌های مجازی جشنواره‌های دیگر هم سر زدیم و در کمال تعجب مشاهده کردیم که آن جشنواره‌ها نیز برنامه‌های خود را به مانند سالیان گذشته در دست اجرا دارند و تمام این ظرفیت‌ها برای یک پسوند «رعایت پروتکل‌های بهداشتی» مجاز شده و روال کار به شیوه معمول در حال انجام است.

بگذارید کمی به عقب برگردیم. به اسفند ۹۹ و زمانی که ویروس منحوس کووید، رعب و وحشتی عجیب را در دل مردمان جهان به‌وجود آورده بود. ویروسی که خیلی زود همه گیر شد و از آن زمان به بعد بود که مدیران جشنواره‌های سینمایی، یک‌به‌یک خبر از تعطیلی و لغو رویدادهای تحت مدیریت‌شان دادند؛ از جشنواره‌های مهمی چون کن، لوکارنو و کارلووی‌واری بگیرید تا جشنواره‌های معمولی‌تری چون مونیخ، ترابیکا، ادینبورگ، پراگ، تلوراید، سیاتل و... همگی لغو شدند اما آنچه در این بین خیلی عجیب به‌نظر می‌رسید، اصرار مدیران سینمایی برای برگزاری جشنواره جهانی فجر در آخرین روزهای فروردین ماه بود.

در نیمه‌های اسفندماه بود که جشنواره جهانی فجر اعلام کرد به‌عنوان «مهم‌ترین رویداد بین‌المللی سینمای ایران»، این جشنواره را با تغییر زمان و به امید فروکش کردن تب کرونا در کشور، در نیمه دوم خرداد ۹۹ برگزار می‌شود. تصمیمی که موجی از انتقادها را با خود به‌همراه آورد. انتقادها از این بابت بود که اصرار مدیران دولتی در برگزاری جشنواره‌ای که در شرایط معمول هم تن‌به‌تن مخاطبان چندانی نداشته است، چه آورده‌ای برای روزگار کرونایی ایران به‌همراه دارد و اینکه حالا که جشنواره‌های رده بالای جهانی، به‌دلیل حفظ سلامت هنرمندان و مردم سرزمین‌شان، از لوسخن می‌گویند، چرا مدیران دولتی، جشنواره جهانی را تعطیل نمی‌کنند؟

این زمزمه‌ها تا جایی پیش رفت که بالاخره محمدمهدی عسگرپور به‌عنوان دبیر جدید این رویداد، در ۱۸ اردیبهشت، از لغو جشنواره جهانی و برگزاری آن در خرداد ۱۴۰۰ سخن گفت. این اصرار مدیران برای برگزاری جشنواره‌های سینمایی، حالا و با وخیم‌تر شدن اوضاع، همچنان ادامه دارد با این تفاوت که حالا کمتر کسی از لغو یا تاخیر در برگزاری سخن می‌گوید و همه‌چیز در لوای «حفظ روکش‌های بهداشتی» پنهان شده است.

اینکه چرا مدیران سینمایی کشور اینچنین به برگزاری جشنواره‌های ریزودرشت سینمایی مصمم هستند، پرسشی است که هنوز پاسخ درخوری به آن داده نشده است. جشنواره‌هایی که عمده آنها در روزگار عادی نیز نتوانسته بودند مخاطبی برای خود دست‌وپا کنند، حالا بر چه اساس و منطقی، تصمیم به برگزاری می‌گیرند؟

حداقل آنکه تاکنون تابش به‌عنوان مدیرعامل فارابی، صریح‌ترین پاسخ را داده است؛ جایی که وی منطقی نبودن تعطیلی جشنواره‌ها را با توجه به سابقه شان عنوان کرد حال آنکه تمامی جشنواره‌های سینمایی که در جهان تعطیل شدند، از سابقه‌ای تاریخی و نسبتا طولانی برخوردار بوده‌اند اما تعطیل شدند. ضمن اینکه اگر بخواهیم با این گزاره جلو برویم، به این نتیجه می‌رسیم که تعطیلی جشنواره‌هایی چون کن، لوکارنو، کارلووی‌واری و حتی جهانی فجر خودمان در روزهایی که تعداد مبتلایان و حتی قربانیان، بسیار پایین‌تر از رقم کنونی امروز بود، کاری اشتباه بوده است. بنابراین در خلأ نبود پاسخ مشخصی برای اصرار مدیران سینمایی کشور برای برگزاری تمام رویدادهای سینمایی، به این کلیدواژه مدیرعامل فارابی بسنده می‌کنیم که «منطقی نیست»!

آیا ونیز و تورنتو می‌توانند الگوی درستی برای فجر باشند؟

البته این نیت ماجرا نیست. اگر اخبار سینمایی راطی ماه‌های اخیر دنبال کرده باشید، یک نخ تسبیح عجیب مواجه شده‌اید و آن اینکه برخی از مدیران سینمایی، جشنواره ونیز را به‌عنوان نمونه‌ای موفق از جشنواره‌هایی که در روزگار کرونایی برگزار شده، عنوان کرده‌اند و تلویحا این منظور را به مخاطب منتقل کرده‌اند که «ونیز» سرلوحه ما برای برگزاری است.

اگر دقت کنیم درمی‌یابیم که پس از اعلام دبیر جشنواره ونیز در اوایل خرداد امسال که این رویداد در سال ۲۰۲۰ در همان تاریخ از پیش تعیین شده خواهد برگزار می‌شود، فراخوان‌های جشنواره‌های سینمایی ایران نیز در تابستان رشد کرده و برنامه‌ریزی آنها برای اجرا، از همان زمان آغاز شده است.

نخستین زنگ جدی برگزاری جشنواره فیلم فجر به‌عنوان پرمخاطب‌ترین جشنواره سینمایی کشور را مسعود نجفی، روابط‌عمومی سازمان سینمایی به‌صدا درآورد. جایی که وی در ۲۳ شهریور و در گفت‌وگویی، از جشنواره ونیز به‌عنوان تجربه‌ای خوب برای برگزاری جشنواره‌ها در دوران کرونا نام برد و برای محکم‌کاری، از جشنواره تورنتو هم نام برد که امسال به‌صورت حضوری برگزار شد و این طور نتیجه گرفت که بنابراین احتمال برگزاری حضوری جشنواره فجر در سال ۹۹ نیز هست.

تخمینی که در کمتر از یک‌ماه، با اعلام نام دبیر از سوی رئیس سازمان سینمایی، رنگ واقعیت به‌خود گرفت تا جشنواره فیلم فجر در حضور دیگر جشنواره‌های سینمایی کشور برای سال ۹۹، برگزار شود؛ قسمتوالی که دبیر جدید آن نیز ونیز را الگوی خوبی برای این رویداد عنوان کرده است. اما آیا جشنواره‌هایی چون ونیز و تورنتو، مثال‌ها و مرشدهای خوبی برای فجر طی ما هستند؟ البته برای آگاهی باید اعلام کنیم که در این مدت، جشنواره‌های دیگری هم به‌صورت حضوری برگزار شدند که از آن جمله می‌توان به جشنواره فیلم لندن یا نیویورک اشاره کرد. در همین ابتدا باید اعتراف کنیم که تقریبا هیچ خبری مبنی بر کمون و بروز کرونا در دو جشنواره ونیز و تورنتو مخابره نشد.

هرچند باید بپذیریم موارد ابتلای احتمالی در این رویدادها، طی روزهایی مشخص می‌شود که این جشنواره‌ها به پایان رسیده‌اند. اما قدرمسلم آنکه خبری مبنی‌بر بدحال شدن میهمانی در حین برگزاری این دو رویداد، رسانه‌ای نشد که این خود می‌تواند مرتبط با سیاست‌های آن جشنواره‌ها نیز باشد. ایتالیا و کانادا، دو سیاست متفاوت اما موفق را در قبال پیشگیری از کرونا پیاده کردند. ایتالیا در روزهای نخستین شیوع این ویروس، هم به لحاظ مبتلا و هم در تعداد قربانیان، برای حدود دو ماه در صدر فهرست جامعه جهانی قرار داشت. حال آنکه این کشور امروز در ردیف ۲۰ تا ۲۵ بیشترین تعداد مبتلا و قربانی قرار دارد. کانادا که وضعیت به‌مراتب بهتری را نسبت به ایتالیا داشت نیز با یک سیاست نه‌چندان سخت گیرانه توانست عملکرد درخشانی را در این حوزه از خود به نمایش بگذارد.

فارغ از اینکه، این دو کشور، قواعدی را هم برای جشنواره‌هایشان در نظر گرفتند. مثلا ایتالیا عنوان کرد استفاده از ماسک برای تمامی شهروندان و میهمانان جزیره لیدو به‌عنوان مقر اصلی جشنواره ونیز، الزامی است و با خاطیان، برخوردی جدی می‌شود. ضمن اینکه تمامی مدعوین این جشنواره باید از شهر خود، تست کرونای معتبر خود را برای این جشنواره ارسال می‌کردند. آنها حتی در نوبه‌ورود به ایتالیا و جزیره لیدو نیز مجددا تست‌های کرونایی را انجام می‌دادند.

ونیز امسال با نهایت ۱۰۰ نفر در هر سالن، فیلم‌ها را نمایش داد اما در عوض تعداد سانس‌های هر فیلم را افزایش داد تا مخاطبان بتوانند به‌راحتی تمامی فیلم‌ها را تماشا کنند.

در تورنتو، قوانین سختگیرانه‌ای تا قبل از ورود به جشنواره بود و زمانی که مدعوین، از مراحل سخت تست‌های چندباره کرونا با برگه منفی عبور می‌کردند، دیگر محدودیت عجیبی متوجه آنها نبود. به جز محدودیت در تعداد نفرات سالن‌ها، جشنواره توتونخی استفاده از ماسک را برای میهمانان و سایر مدعوینش اختیاری اعلام کرد اما جز این از پیش، نظارت و پالایش خوبی بر سلامتی مدعوینش داشت، هیچ خبر ابتلایی از ۱۰ روز برگزاری این جشنواره مخابره نشد. حالا وضعیت این دو کشور را با امکانات بهداشتی و البته مدیریتی ایران مقایسه می‌کنیم تا دریابیم آیا می‌توان ونیز و تورنتو را الگویی برای فجر قلمداد کرد؟ جشنواره فیلم ونیز تماما حضوری بود اما جشنواره فیلم تورنتو به دوشکل حضوری و مجازی برگزار شد. بنابراین نگاه فجر بیشتر به جشنواره ونیز است چون امکان نمایش آنلاین فیلم‌های جشنواره در ایران اصلا وجود ندارد و این رویداد «حتما» باید به صورت تماما حضوری برگزار شود.

با توجه به اینکه کاخ جشنواره در بردیس ملت است، امکان نمایش فیلم‌ها با حداکثر ۵۰ درصد ظرفیت سالن‌ها، امر دشواری است چون بردیس ملت، با بهره‌برداری جدید، به پردیس ۱۲ ساله با حدود ۲۰۰۰ صندلی تبدیل شده که اگر نیمی از این ظرفیت را درنظر بگیریم به عدد ۱۰۰۰ می‌رسیم که این تعداد برای اهالی رسانه و جامعه منتقدان مناسب نیست. بنابراین باید به مانند جشنواره فیلم کن، سانس‌های بیشتری را برای هر فیلم در نظر گرفت یا تعداد پردیس‌های نمایش فیلم را برای اصحاب رسانه بیشتر کرد. ضمن اینکه این برنامه‌ریزی باید در مقیاس بسیار بزرگ‌تری برای سینماهای مردمی در تهران و شهرستان‌ها درنظر گرفته شود.

ایران از آغاز شیوع کرونا تا به امروز، همواره جزء‌یکی از کشورهای با ابتلا و البته قربانی بالا در فهرست جهانی بوده است. کشوری که ۸ ماه پس از شیوع این ویروس، هنوز مشکلات بسیاری در مسیر فرهنگ‌سازی از ماسک و دستکش (پروتکل‌های بهداشتی) دارد و به همین جهت به ابزارهای عجیبی همچون جریمه شهروندان خاطی روی آورده تا بلکه از این طریق، روبه فرهنگ‌سازی را با سرعت بیشتری طی کند.

از سوی دیگر تحریم مواد اولیه و دارویی کشور، شرایط متفاوتی از ایران ۹۹ را در قیاس با ایتالیا و کانادا نشان می‌دهد. بنابراین نگرانی از بابت رشد افسارگسیخته کرونا و آنفلوآنزا و دیگر بیماری‌های ویروسی در یکی از سردترین ماه‌های سال، چندان بیراه نیست. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که شاید مدیران سینمایی بتوانند به لحاظ خدمات‌افزاری، محیط امن و مناسبی برای تماشای فیلم‌ها درنظر بگیرند، اما فضای جامعه، حداقل تا به امروز؛ آمادگی لازم برای برگزاری جشنواره‌ای چون فجر را ندارد. کشوری که پس از ۸ ماه نتوانسته ماسک را به‌عنوان یک فرهنگ در میان شهروندانش نهادینه کند و با تحریم دارویی همچنان دست‌وپنجه نرم می‌کند، نمی‌تواند رسیک برگزاری جشنواره‌های غیرضرور را به جان بخرد. این طور به نظر می‌رسد که مدیران سینمایی از الگوسازی جشنواره ونیز برای فجر، تنها به ایمن‌سازی سینماها و محوطه برگزاری این فستیوال توجه کرده‌اند و شرایط جامعه و برخورداری آنها از برخی فرهنگ‌ها و امکانات و قیاس آن جوامع با ایران را یا به دست فراموشی سپرده‌اند یا آن را به دولت و وزارت بهداشت سپرده‌اند و با این گزاره که ما برحسب وظیفه، تنها محوطه جشنواره را ایمن می‌کنیم، به چنین الگوسازی روی آورده‌اند. ونکته مهم‌تر آنکه آیا مدیران سینمایی جامعه توانست به مانند ونیز و تورنتو، تست‌های معتبر کرونایی برای مدعوین خود به کار گیرند؟ یا تنها به همان تست‌سنجی در ورودی پردیس‌ها بسنده می‌کنند؟ به نظر می‌رسد که پاسخ به این سوال الگوسازی جشنواره‌هایی مانند ونیز و تورنتو برای فجر، نوعی آدرس اشتباهی دادن از روی ناآگاهی یا شتابزدگی و البته قیاس مع‌الفارق باشد.

دور تسلسل هزینه جشنواره‌هایی که اگر برگزار هم نشوند، باز هم به اهالی سینما می‌رسد!

حالا می‌خواهیم به یکی از مهم‌ترین ارجاعات موافقان و مخالفان برگزاری جشنواره‌ها در سال ۹۹ اشاره کنیم. بحث «هزینه» از همان اسفندماه سال گذشته مطرح شد و اینکه وزارت ارشاد، هزینه چند ۱۰ میلیاردی برگزاری جشنواره‌های سینمایی را به اهالی سینما که بسیاری از آنها مشکلات فراوانی در مسیر ارتزاق روزانه خود دارند، اختصاص دهد.

این مطالبه در طول ماه‌های اخیر به شکلی عمومی، میان اهالی سینما مطرح شد؛ مخصوصا از زمانی که مشخص شد وزارت ارشاد، برنامه چندان مدونی برای روزهای کرونایی جامعه نه‌چندان برشمارش ندارد. این مطالبه البته هیچ‌گاه از سوی مدیران سینمایی پاسخ داده نشد. البته رد‌پای کمرنگی از پاسخ به این مطالبه در گفتوگوی اخیر «علیرضا تابش» به چشم می‌خورد. جایی که مدیرعامل فارابی ضمن «مغلطه» خواندن این مطالبه عنوان کرد که «اصولا بودجه برپایی یک جشنواره، از محل اعتبارات مربوط به جشنواره‌ها تامین می‌شود و اگر جشنواره‌ای برپا نشود، براساس قانون، بودجه به همان محل برمی‌گردد.»

البته که اهالی فرهنگ به‌عنوان مطرح‌کنندگان این مطالبه به‌خوبی واقف هستند که در صورت عدم‌برپایی یک جشنواره، هزینه آن به محل برگشت داده خواهد شد، اما سوال اصلی اینجاست که آن هزینه عودت‌داده‌شده به محل اعتبارات، صرف چه مساله‌ای خواهد شد و آیا این طور است که در صورت عدم‌برگزاری جشنواره، هزینه برگزاری آن در پایان سال به خزانه عودت داده خواهد شد یا صرف موارد دیگری در همان وزارت ارشاد می‌شود؟ و اینکه آیا مدیران سینمایی برای حرکت در جشنواره‌ها دارند؟

طبیعتا هر حالتی که مدنظر مدیران سینمایی کشور است، این اتفاق، چندان برای اهالی سینما خوشایند نیست. دولت و در اس آن وزارت ارشاد نتوانسته حمایت حداقلی از این جامعه محدود را داشته باشد و خیلی عملی نیست که در برخی فرهنگ‌ها و امکانات و قیاس آن جوامع با ایران را یا به دست فراموشی گذشته عمل نکرده و هزینه برگزاری جشنواره‌ها، با هاهنگی نهادهای ذی‌ربط، خارج از چارت معمول و اداری، به اهالی آن برسد. بودجه‌ای که نه فرار است به دست اهالی سینما برسد ونه وزارت ارشاد از آن منتفع شود، به چه دلیل باید راکد شده و مسترد شود؟

و اینکه در سالی که سهم ارشاد در بودجه امسال، زیر ۳ هزار میلیارد تومان است و تقریبا معادل با بودجه این نهاد در سال ۹۸ است، آیا باز هم می‌توان به چارت‌های معمول حسابداری استناد کرد و بودجه عدم‌برگزاری جشنواره را به همان محل اعتبارات بازگرداند که در ادامه مشخص نیست هزینه کرد آن در چه مورد و مقطعی خواهد بود؟

بنابراین اینجا با یک دور تسلسلی مواجه هستیم که حداقل برای سال عجیب و غریبی که در آن به سر می‌بریم، باطل است. این چارت‌بندی در سال ۹۹ سبب شده تا بسیاری از اهالی سینما، در مقابل مدیران دولتی سینما و حتی جشنواره‌ای که لزوم چندانی به برگزاری امسالش نمی‌بینند، بایستند و خواهان تقسیم بودجه آن به نحوی در زندگی خود باشند.

تکمله

در پایان اینکه برگزاری جشنواره‌هایی نظیر فجر و دیگر جشنواره‌ها، در شرایط عادی خود، پروسه دشوار و طاقت‌فرسایی بود که پرسنل و نیروهای بسیاری را در شکل اجرایی و برنامه‌ریزی به مدت طولانی به خود می‌دید. حالا این همه نیرو باید در چنین وضعیت خطرناکی، چند ماه برای جشنواره برنامه‌ریزی کرده و مدیران آن جشنواره‌ها نیز در محیط‌هایی به مراتب امن‌تر از این نیروها، به راندمان کار مدیریتی خود فکر کرده و در مواقعی چون اختتامیه یا گزارش عملکرد، نحوه احتمالا مطلوب مدیریت خود را به سمع‌ونظر مدیران بالادستی خود برسانند؛ این گزاره، غیراخلاقی و اشتباه است.

ضمن اینکه برگزاری هر جشنواره دولتی، همواره برخی شائبه‌ها در زمینه ریخت‌وپاش‌های مالی و بحث دستمزدها را با خود به همراه دارد. این گزاره در مورد تمام جشنواره‌هایی که امسال برگزار می‌شوند، به شکل پررنگ‌تر و با حساسیت بالاتری وجود دارد. در روزگاری که بسیاری از اهالی فرهنگ، با وضعیت اسفباری درحال گذران زندگی خود هستند، با ترویج بحث چنین شائبه‌هایی، فضا را بیش از این مسموم نکرده و ظن فرهنگ‌دوستان را در قبال مدیران مشوش نکنیم.

این اشباه است که بدیهیم نقشه‌راه محوریت فرهنگ جامعه امروز، در برگزاری جشنواره‌ها خلاصه شده است. جشنواره‌های حداقل سینمایی کشور همواره با این ادعا بدرقه شده‌اند که مسائل محلی برای دیدوبازدیدهای محفلی هستند و آن کارکرد حرفه‌ای خود را ندارند. این گزاره در سال جاری، خیلی جدی‌تر دنبال می‌شود. چرا باید بپذیریم که اهالی فرهنگ‌های حوزه فرهنگ اجرایی شده و حالا تنها جشنواره‌ها باقی مانده‌اند که باید آن را به سرانجام برسانیم؟ یا عدم‌برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر یا نمایشگاه کتاب تهران، نه‌تنها اتفاق ناگوار خاتمی‌ها و اهالی رخ نداد بلکه خیلی جدی‌ها و صدها ایرانی از شر کرونا مصون ماند، بنابراین، با قلمداد قرار دادن این گزاره که کسی منتظر جشنواره‌هایی چون رشد، فیلم کوتاه، سینما حقیقت، کودک و... نیست، ضمن اینکه اتفاق ناگواری را رقم نمی‌زنیم بلکه جان صدها هموطن را از خطری واقعی و نزدیک نجات می‌دهیم و وقتی کسی منتظر وقوع چنین رخدادهایی نیست و قرار است از برگزاری چنین فستیوال‌هایی، جان ده‌ها و صدها هموطن به خطر بیفتد، باز به همان جرای ابتدای بحث بازمی‌گردیم که واقعا چه اصراری به برگزاری جشنواره‌ها در ایران کرونایی ۹۹ است؟! آیا مدیری هست که به‌جز «منطقی نبودن عدم‌برگزاری»، پاسخی منطقی و محکم‌پسند برای این اصرار تاریخی داشته باشد؟ تاریخ، این بار موشکافانه‌تر و بی‌رحم‌تر از هر زمان دیگری درباره این تصمیم‌گیری‌ها قضاوت خواهد کرد.

ادامه در صفحه ۱۳

چارسو

پیکر مطهر تعدادی از شهدای دفاع مقدس تفحص شد

گروه‌های تفحص شهدا شنبه ۱۹ مهرماه ۱۳۹۹ موفق به کشف پیکر مطهر یک شهید دوران دفاع مقدس در محور مریوان شدند. همراه با استخوان‌های شهید تازه تفحص شده یک ماسک شیمیایی هم دست که نشان از روزهای حملات شیمیایی صدام در این منطقه دارد. مریوان یکی از شهرستان‌های مرزی با عراق به شمار می‌رود. در دفاع مقدس مریوان همواره بمباران هوایی و موشکی می‌شد و تعدادی از روستاهای اطراف نیز بمباران شیمیایی شدند. عملیات والفجر ۴ که با پیروزی رزمندگان اسلام خاتمه یافت، از حیاتی‌ترین عملیات‌های دوران جنگ تحمیلی بود و یکی از دلایلی که همچنان از آن به عنوان یک عملیات مهم یاد می‌شود، جدا از ضربه‌های مهلکی که به ارتش عراق وارد شد، استفاده بعثی‌ها از سلاح‌های شیمیایی بود. پیش از این نیز پیکر مطهر دو شهید در روز ۱۸ مهرماه و دو شهید در روز ۱۶ مهرماه ۱۳۹۹ در منطقه عملیاتی چنگوله کشف شد. همراه پیکر مطهر دو تن از این شهدا پلاک هویت نیز کشف شده است. منطقه چنگوله واقع در جنوب‌شهر مرزی مهران و منطقه عملیاتی عاشورای ۲ است. عملیات محدود عاشورای ۲ ساعت دوبامداد روز ۲۴ مرداد ۱۳۶۴ با رمز یاامهدی(عج) در منطقه عمومی چنگوله واقع در جنوب شهر مرزی مهران توسط نیروی زمینی سپاه پاسداران با هدف انهدام نیروهای دشمن صورت گرفت.

واکنش «ساترا» به انتشار کلیپ کنکوری سخیف

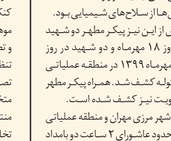

در پی انتشار برنامه‌ای با محتوای آموزشی «درس دین و زندگی» کنکوری به علت استفاده از ادبیات موهن در یکی از رسانه‌های صوت و تصویر بدون مجوز، سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر با تذکر فوری به رسانه متخلف، منجربه حذف سریع محتوا از این رسانه شد. رسانه متذکرشده در پاسخ به تذکر شدید سازمان ضمن اعلام پذیرش تخلف و تعهد به انتشار بیانیه عذرخواهی از عموم مردم، اهالی فرهنگ و جامعه آموزشی کشور، اعلام کرد این مطلب به دلیل سهو ممیزی بوده که به دلیل این سهل‌انگاری، همکاری ممیز مذکور نیز تعلیق شد. این رسانه همچنین تعهد داد تمام محتوای موجود در سایت را مجدد مورد بازبینی و بررسی قرار دهد و اقدام به حذف موارد متخلفانه احتمالی کند. با توجه به درخواست مجوز از سوی رسانه متخلف، طبق اعلام ساترا تا اتمام بررسی‌های دقیق و اطمینان از توسعه و پیگیری فرآیندهای نظارتی در این رسانه، صدور مجوز به تعویق خواهد افتاد. همچنین در روز سه‌شنبه هفته جاری با تشکیل کمیته رسیدگی به تخلفات ساترا درخصوص اعطای مجوز به این رسانه تصمیم‌گیری می‌شود تا تعیین تکلیف تخلفات در کمیته مزبور، این سایت از دسترس کاربران خارج می‌شود.

رسانه‌های عربی از شجریان گفتند

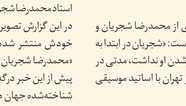

خوانده مردمی محمدرضا شجریان از دنیا رفت» درواره این هزمنند گرامی است: «او خودش را صدای مردم نامید و مردم او را قیصر موسیقی ایران نامیدند. کمتر کسی از میان فارسی‌زبانان دنیا شجریان را نمی‌شناسد یا صدایش را نشنیده است. او بیش از نیم‌قرن برای احیای موسیقی اصیل و سنتی ایرانی تلاش کرده است.»

الجزیره در ادامه با آوردن بیوگرافی مختصری از محمدرضا شجریان و اشاره به قاری قرآن بودن این هزمنند، نوشته است: «شجریان در ابتدا به علت کبله پدرش تمایل چندانی به خوانده شدن او نداشت، مدتی در رادیو با اسم مستعار آواز می‌خواند تا اینکه در تهران با اساتید موسیقی آشنا شد و نزد آنان موسیقی را فرا گرفت.»

الجزیره در پایان آورده است: «مشهورترین اثر شجریان دعای زمین را گرفت است که یکسال پس از انقلاب اسلامی ایران آن را اجرا کرد. رپنای شجریان تا سال‌ها نزدیک افطار از تلویزیون ایرانیان پخش می‌شد.»

براساس این گزارش، روزنامه لبنانی الاخبار هم در شماره روز شنبه خود با انتشار تصویر و مطلبی از استاد محمدرضا شجریان، به درگذشت خسرو آوازایران واکنش نشان داد. در این گزارش تصویر زنده‌یاد استاد شجریان با یکی از سازهای ابداعی خودش منتشر شده و در سرخط آن این جمله به چشم می‌خورد: «محمدرضا شجریان... ایران زیباترین صدایش را از دست داد.»

پیش از این خبر درگذشت محمدرضا شجریان در بسیاری از رسانه‌های شناخته‌شده جهان هم بازتاب داده شده بود.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

وقتی قرار است با برگزاری جشنواره، کرونا را دور بزنیم

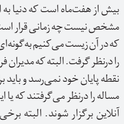

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

اوایل اسفندماه که سروکله ویروس کرونا به کشور ما باز شد؛ این طرف و آن طرف می‌شنیدیم که با شروع فصل گرما، همه‌چیز تمام می‌شود. تابستان آمد و کرونا نرفت و معلوم شد که این هم یک فرضیه دروغین در دنیای مجازی بود. حالا بیش از هفته‌ماه است که دنیا به این ویروس گرفتار شده و با شروع فصل پاییز فعلا هم مشخص نیست چه زمانی قرار است که ما در دنیایی عاری از کرونا زندگی کنیم. شرایطی که در آن زیست می‌کنیم به گونه‌ای است که در کارها و برگزاری محافل هم باید این مساله را درنظر گرفت. البته که مدیران فرهنگی از ابتدای سال می‌دانستند که ایپدمی کرونا به نقطه پایان خود نمی‌رسد و باید برای برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های فرهنگی این مساله را درنظر می‌گرفتند که با اینکه امسال قید برپایی جشنواره‌ها را بزنند یا به‌صورت آنلاین برگزار شوند. البته برخی کشورها متناسب به حجم برگزاری یک جشنواره، رویه‌های متفاوتی را درنظر گرفتند، یا به‌سمت برگزاری آنلاین جشنواره‌ها رفتند یا اینکه با پروتکل‌های بهداشتی برگزار کردند. گزارش امروز درباره این است که با گذشت تقریبا هفت‌ماه از فراگیری کرونا، چه اتفاقی در برگزاری جشنواره‌ها رخ داده است و دنبال این سوال هستیم که اکثر جشنواره‌های فرهنگی و هنری که در نیمه دوم سال برپا می‌شوند چه وضعیتی خواهند شد.

یک موسسه و هزاران مسئولیت

اواخر سال گذشته زمزمه‌هایی در وزارت ارشاد شنیده شد که تمام موسسات زیرمجموعه معاونت فرهنگی ارشاد با هم ادغام می‌شوند. موسسه خانه کتاب، موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی و بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان که هرکدام مسئولیت‌های زیادی را در عرصه ادبیات داشتند، تا اینکه اواخر خرداد ماه این ادغام صورت عملی به خود گرفت و یک موسسه به اسم موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران تشکیل شد. موسسه‌ای که قرار است بار مسئولیت در حوزه ادبیات را به دوش بکشد. هماهنگی جشنواره‌های ادبی کشور برعهده این موسسه است و درکنار آن مسئولیت برگزاری نمایشگاه‌های کتاب را هم به‌عهده دارد؛ هم نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و هم نمایشگاه‌های کتاب استانی.

برای اینکه بدانیم وضعیت برگزاری جشنواره‌ها در این موسسه جدید به چه صورت است به‌سراغ اسماعیل امینی از اعضای هیات‌امنای موسسه خانه کتاب و ادبیات ایران رفتیم تا برایمان از اتفاقات جدید این موسسه بگوید.

امینی در ابتدای صحبت‌های